



ANALYSIS OF THE VERSES ABOUT THE ORDER OF CREATION OF HEAVEN AND EARTH*

Ismail Soltani Beyrami ¹

ABSTRACT

There are verses in the Holy Quran about the creation of the heavens and the earth and their description. Some orientalists, taking certain assumptions for granted, emphasize the conflict between the verses regarding the order of creation of the heavens and the earth. This article responds to the claims of orientalists by describing and analyzing related verses and examining the views of commentators. In this research, the following four perspectives are evaluated:

1) denial of attributing precedence and delay to divine actions; 2) Lack of stating the order of creation of earth and heaven in the Qur'an; 3) The precedence of the creation of earth over heaven; 4) The precedence of the creation of heaven over earth.

According to the author, the holy verses related to the heavens and the earth are in harmony with each other and refer to the three stages of creation which are: The first stage: Creation of the sky and raising its roof; The second stage: Creation of the earth and its expansion; The third stage: Expansion and settlement of the Seven Heavens.

Keywords: Verses of Creation, Creation of The Heavens, Creation of The Earth, Seven Heavens, Expansion of The Earth.

*. **Date of receiving:** 5 March 2020, **Date of approval:** 7 November 2020.

1. Assistant Professor of Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom: soltani@qabas.net.



تحلیل آیات ترتیب آفرینش آسمان و زمین*

اسماعیل سلطانی بیرامی^۱

چکیده

آیاتی از قرآن کریم درباره آفرینش آسمانها و زمین و چگونگی آن است که برخی خاورشناسان با قطعی انگاشتن پیش فرضهایی بر تعارض آیات راجع به ترتیب آفرینش آسمانها و زمین تأکید دارند. این نوشتار با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی دیدگاه مفسران ذیل آیات یاد شده، به ادعای خاورشناسان پاسخ داده است. در این پژوهش چهار دیدگاه: ۱. انکار نسبت دادن تقدم و تأخر به افعال الهی؛ ۲. عدم بیان ترتیب آفرینش زمین و آسمان در قرآن؛ ۳. تقدم آفرینش زمین بر آسمان؛ ۴. تقدم آفرینش آسمان بر زمین مورد ارزیابی قرار گرفته است به نظر نگارنده، آیات شریفه با هم همخوانی دارند و ناظر بر سه مرحله داشتن آفرینش است: در مرحله نخست خداوند آسمان را آفریده و سقفش را برافراشته است. در مرحله دوم و پس از آفرینش آسمان، زمین را خلق نموده و آن را گسترش داده است. در مرحله سوم به تسویه آسمان بر هفت عدد پرداخته است.

واژگان کلیدی: آیات آفرینش، پیدایش آسمان، پیدایش زمین، آسمانهای هفت گانه، گسترش زمین.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۵ و تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۷.

۱. استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) قم: soltani@qabas.net.



مقدمه

خاورشناسان با رویکردهایی مانند اسطوره‌انگاری (آرغون، اسلام دیروز و امروز، ۱۳۶۹: ۱۸۰)، تاریخی (ویرژیل، محمد پیامبری که باید از نو شناخت، ۱۳۷۶: ۲۹-۱۰)، روش‌شناختی (گلدزیهر، گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان، ۱۳۸۸ ش)، معناشناختی (جفری، واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ۱۳۷۲) و رویکرد زبان‌شناسانه (آرغون، اسلام دیروز و امروز، ۱۳۶۹: ۱۸۰)؛ به مطالعات و پژوهش‌های قرآنی پرداخته‌اند. یکی از رویکردهای آنان، تحلیل متن قرآن و اثبات وجود خطای درون‌متنی و برون‌متنی آن است و یکی از محورهای خطای درون‌متنی، اختلاف و تناقضات داخلی قرآن است. حداقل نتیجه‌ای که از اثبات چنین مدعایی انتظار دارند، تردید در اعجاز و وحیانی بودن این کتاب آسمانی است. برخی از آنان سعی و کوشش فراوان دارند تا چنین القا کنند که قرآن کتاب باطلی است تا زمینه تضعیف اعتقادات دینی و گرایش و جذب مسلمانان را به مسیحیت فراهم سازند. با ملاحظه آثار آنان معلوم می‌شود که تنها به تحلیل سطحی محتویات قرآن اکتفا نموده‌اند و حتی به تقطیع و جداسازی آیات از سیاق خود برای رسیدن به هدف خود دریغ ننموده‌اند و به روش درست تفسیر آیات توجه نداشته‌اند.

این مقاله با رویکرد انتقادی و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به شبهه اختلاف و تناقض آیات در موضوع ترتیب آفرینش آسمان‌ها و زمین پاسخ می‌دهد. این شبهه که در یکی از سایت‌های مسیحی برجسته شده و شبکه‌های مجازی نیز آن را پوشش داده‌اند، با استفاده از دو دسته آیات به اثبات اختلاف در ترتیب آفرینش جهان می‌پردازد.

همان‌گونه که اثبات اعجاز قرآن موجب اثبات مباحث مهم کلامی از جمله نبوت خاصه رسول گرامی اسلام ﷺ می‌شود، شبهه در اعجاز نیز در خیلی از مباحث کلامی خدشه وارد می‌کند. از این رو، پرداختن به این‌گونه مباحث نه تنها به اثبات اعجاز قرآن، به‌ویژه از جهت هماهنگی و عدم اختلاف کمک می‌کند؛ بلکه زمینه اثبات اعجاز علمی و سازگاری علم و دین را نیز فراهم می‌کند.

تبیین شبهه

طبق این شبهه خداوند در سوره نازعات می‌فرماید: ﴿أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا وَأَعْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءً عَظِيمًا وَمَرْعَاهَا وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ﴾ (نازعات/ ۲۷-۳۳).



ظاهر آیات این است که خداوند ابتدا آسمان را بنا کرد و سقفش را برافراشت و آن را مرتب نموده و شب و روز آن را ایجاد کرد. در ادامه با جمله «وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا»، از آفرینش زمین و متعلقات آن مانند آب‌ها و چراگاه‌ها و کوه‌ها سخن می‌گوید. ظاهر «بعد ذلک» این است که خداوند در آفرینش، زمین را بعد از آسمان خلق کرده است؛ اما از سوره بقره و سوره فصلت ترتیب دیگری استفاده می‌شود. در سوره بقره می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (بقره/۲۹). در این آیه خداوند از آفرینش تمام آنچه بر زمین است، پیش از آفرینش آسمان‌ها سخن گفته است. کلمه «جمیعا» شامل درختان، دریاها، نهرها و کوه‌ها می‌شود و در سوره فصلت می‌فرماید: ﴿قُلْ أَنتُمْ لَكُمْ كُفْرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَندَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِي مِّنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلنَّاسِ لِيُنظَرُوا أَتَىٰ السَّمَاءَ﴾ (فصلت/۹-۱۱)؛ ظهور جمله «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ» در هر دو آیه این است که آفرینش آسمان پس از آفرینش زمین بوده است؛ یعنی خداوند پس از آفرینش زمین، به آفرینش آسمان‌ها پرداخته است.

این دو دسته آیات از جهت تقدم و تأخر آفرینش آسمان‌ها و زمین با یکدیگر متناقض می‌نمایند.^[۱] برخی شبهه را به گونه دیگری مطرح کرده و تناقض را میان آفرینش کوه‌ها و آسمان دانسته‌اند؛ چراکه بر اساس آیات سوره فصلت، خداوند نخست کوه‌ها را آفرید، سپس به آفرینش آسمان‌ها پرداخت: ﴿وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِي مِّنْ فَوْقِهَا ... ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ﴾ (فصلت/۱۰)؛ ولی طبق آیات سوره نازعات، نخست آسمان را خلق کرد، سپس به آفرینش کوه‌ها پرداخت: «أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا... وَالْجِبَالُ أَرْسَاهَا»^[۲] ولی از آنجایی که کوه موضوعیت ندارد، بلکه کوه بخشی از زمین است و اگر شبهه نخست پاسخ داده شود، این شبهه نیز پاسخ می‌یابد، از پاسخ مستقل به این شبهه صرف نظر می‌کنیم.

پیشینه بحث

بحث از ترتیب آفرینش آسمان و زمین در کتاب‌های تفسیر ذیل آیات مربوطه (ر.ک: طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۱/۱۷۲؛ ابن‌عاشور، التحریر و التئور، بی‌تا: ۳۰/۷۷؛ آلوسی، روح‌المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع‌المثانی، ۱۴۱۵: ۱۵/۲۳۴؛ زحیلی، التفسیر الوسیط، ۱۴۲۲: ۳/۲۸۱۸)؛ و نیز در کتاب‌های علمی قرآنی بحث شده است (جمیلی، الإعجاز‌العلمی فی القرآن، ۲۰۰۰: ۳۵؛ شعبان، الإعجاز‌القرآنی فی ضوء الإکتشاف‌العلمی‌الحدیث، ۱۴۲۷: ۱۷۴؛ زغلول، السماء فی القرآن‌الکریم، ۱۴۲۶: ۱۲۲؛ مسترحمه، قرآن و کیهان‌شناسی، ۱۳۸۷: ۱۰۲). از



میان مقالات نیز، برخی در موضوع دوره‌های آفرینش آسمان‌ها و زمین است (جعفری، آفرینش آسمان‌ها و زمین در شش روز، ۱۳۸۹؛ برومند، بررسی تعارض آیات مرتبط با خلقت جهان در شش روز، ۱۳۹۶). برخی دیگر به شگفتی علمی و نشانه قدرت و عظمت خداوند در آسمان‌ها و زمین پرداخته‌اند (حسینی کارنامی، بررسی سه شگفتی علمی قرآن در دحو الارض، ۱۳۹۶؛ فرج الهی، درس‌هایی از مکتب اسلام، ۱۳۸۱). تنها یک مقاله در موضوع ترتیب آفرینش میان آن دو یافت شد (کیخواه‌نژاد، مراحل آفرینش آسمان و زمین در آیات قرآن، ۱۳۹۴). این مقاله به مطالب پراکنده و بیشتر به نقل قول از مفسران بسنده کرده است. از میان کتاب‌ها نیز، یک کتاب به موضوع تعارض پرداخته و به صورت گذرا و بدون بررسی دیدگاه‌ها به شبهه یاد شده پاسخ داده است (کیاشمشکی، جهان‌شناسی در قرآن، ۱۳۷۸). با بررسی پیشینه معلوم می‌شود، محتوای آثار موجود با موضوع این نوشتار (بازخوانی آیات بیانگر ترتیب آفرینش آسمان و زمین) ارتباطی ندارد. از این‌رو، مسئله مورد بحث، سزاوار پژوهشی مستقل است.

قبل از ورود به بحث، از بیان قرآن نسبت به چگونگی و ترتیب آفرینش آسمان‌ها و زمین، یادآوری دو نکته ضروری است. نخست اینکه، گرچه قرآن کریم به هدف نشان دادن عظمت الهی و ایجاد انگیزه شکرگزاری و حق‌شناسی و یا هر هدف دیگری، به مسئله چگونگی پیدایش جهان پرداخته است، ولی باید توجه داشت که این موضوع در قرآن کریم به صورت استطرادی و در ضمن آیات مطرح شده است و شاید هیچ‌آیه‌ای را نیابیم که به‌طور مستقل و مستقیم به ذکر آفرینش جهان و چگونگی وجود آسمان‌ها و زمین پرداخته باشد. از این‌رو، هیچ‌گاه در آیات قرآن به بحث‌های تفصیلی درباره خلقت جهان نپرداخته است، بلکه به همان اندازه که هدف قرآن در هدایت مردم تأمین شود، بسنده کرده است (مصباح یزدی، معارف قرآن، ۱۳۶۷: ۲۲۹).

دوم اینکه: آیات مربوط به آفرینش برخلاف بسیاری از آیات دیگر، غالباً دارای ابهام‌هایی است و کمتر می‌توان یک نظر قطعی در این مورد به قرآن نسبت داد (همان: ۲۲۹). شاید یکی از دلایل این مبهم‌گویی، رعایت اختصار و احتیاط در بیان آیات آفرینش و رعایت مقتضای حال مخاطبان عصر نزول بوده است؛ چراکه بیان صریح چگونگی آفرینش آسمان‌ها و زمین جهت درک عقول مردم آن زمان مشکل و پیچیده بود و خداوند از طریق اشاره و کنایه مطلب را بیان نموده تا روزی که علم پیشرفت کرد و بشر به اکتشاف‌ها نائل آمد، پرده از روی اسرار طبیعت برداشته شود (خویی، مرزهای اعجاز، ۱۳۴۹: ۱۱۵).

خاستگاه ادعای تناقض

در بررسی ادعای یاد شده از سوی مستشرقان، علاوه بر دو نکته فوق، لازم است به خاستگاه شبهه نیز توجه شود. اختلاف و تعارض ظاهری که بین دو آیه مورد سؤال دیده می‌شود، به دلیل وجود دو کلمه «ثم» و «بعد» است که در فارسی به معنای «سپس» و «پس» و «بعد» می‌آید. این دو کلمه در تأخر و پشت سرهم بودن زمانی ظهور دارند. در آیه نخست، آفرینش زمین با کلمه «بعد»، پس از آفرینش زمین بیان شده است، ولی در دو آیه بعدی، آفرینش آسمان با کلمه «ثم» پس از آفرینش زمین آمده است. از این رو، در پاسخ به سؤال باید دید، آیا تفاوتی در ظهور این دو کلمه در معنای تأخر و بعدیت زمانی وجود دارد یا نه.

و نیز واژه «دحاها» که در آیه نخست به کار رفته و به معنای گسترش دادن است، آیا مرحله‌ای غیر از آفرینش است یا با آن یکی است؟ همچنین تسویه آسمان‌ها (فسواها) که در آیه دوم آمده است، با آفرینش به یک معنا است یا متفاوت هست.

این نوشتار با تکیه بر تفسیر و تحلیل درست و دقیق آیات قرآن از یک سو و بررسی دیدگاه‌ها از دیگر سو به بررسی انتقادی ادعای تناقض در آیات آفرینش می‌پردازد و در نقد و بررسی شبهه یاد شده می‌کوشد تا به تحلیل منشأ و خاستگاه توهم خطا پردازد و مخاطب را در رسیدن به پاسخ متقن و جامع همراهی کند تا در شعاع این رویکرد و در مواجهه با شبهات جدید، خود بتواند بدان پاسخ دهد.

دیدگاه‌ها

کیهان‌شناسان نظریات مختلف و متفاوتی درباره پیدایش آسمان‌ها و زمین ارائه داده‌اند که سه نظریه مشهور عبارت‌اند از:

یک. نظریه مه‌بانگ یا بیگ بنگ (Big Bang)

این نظریه در اوایل قرن بیستم ارائه شد و با یافته‌های «ادوین هابل» (۱۹۱۹ م) تأیید شد. طبق این نظریه، جهان از یک وضعیت بسیار چگال (متراکم) نخستین آغاز شده و درگذر زمان انبساط یافته است. این نظریه طیف گسترده‌ای از پدیده‌های مشاهده‌شده را به خوبی توضیح می‌دهد. از جمله این پدیده‌ها می‌توان به فراوانی عناصر سبک اولیه، تابش زمینه کیهانی، ساختار بزرگ مقیاس، ستارگان و قانون هابل اشاره نمود.

طبق این نظریه اگر در زمان به عقب برگردیم، به نقطه‌ای می‌رسیم که در آن قوانین فیزیکی شناخته‌شده کارایی خود را از دست می‌دهند و نقطه تکینگی نام دارد. این نقطه، نقطه پیدایش جهان



است. بر این اساس روزگاری آتشگویی وسیع از گازهای بی نهایت چگال و سوزان با بیش از تریلیون‌ها درجه حرارت که بیشتر متشکل از هیدروژن و هلیوم بود، منفجر می‌شود و انبساط می‌یابد. بر اساس اندازه‌گیری‌های جدید، این لحظه تقریباً ۸/۱۳ میلیارد سال پیش رخ داده است. از این رو، سن جهان ۸/۱۳ میلیارد سال تخمین زده می‌شود، پس از انبساط اولیه، جهان به اندازه کافی سرد شد تا امکان پیدایش ذرات زیراتمی و بعدها اتم‌های ساده، پدید آید. به هم پیوستن ابرهای غول‌پیکر از عناصر اولیه بر اثر نیروی گرانش، باعث پیدایش ستارگان و کهکشان‌ها شد (ر.ک: هاوکینگ، تاریخچه زمان، ۱۳۶۹: ۱۴۵-۱۴۹).

دو. حالت پایدار (Steady State)

ستاره‌شناسانی که اعتقاد چندانی به مدل‌های مه‌بانگ نداشتند، نظریه دیگری به نام حالت پایدار ارائه دادند. از جمله این دانشمندان می‌توان از هرمن بوندی، توماس گولد، فرد هوپل و نارلیکار نام برد. طبق این دیدگاه جهان در مقیاس بزرگ نامتغیر بود. البته نه به این معنی که جهان منبسط نمی‌شد، بلکه ایده اصلی در قلب این نظریه آن بود که با فاصله گرفتن کهکشان‌ها از یکدیگر به دلیل انبساط عالم، ماده جدید به شکل هیدروژن در فضای بین آن‌ها آفریده می‌شد. این هیدروژن تازه خلق شده، در نهایت کهکشان‌های جدیدی را به وجود می‌آورد و بدین ترتیب چگالی مشاهده شده کهکشان‌ها پیوسته ثابت می‌ماند. جهان نه ابتدایی دارد و نه انتهایی خواهد داشت و همان‌گونه که از نام نظریه برمی‌آید، در حالت پایدار خواهد ماند. با توجه به اینکه همواره ماده جدید در حال خلق شدن است، آن را نظریه آفرینش پیوسته (Continuous Creation) نیز می‌نامند. این نظریه به دلیل منطبق نبودن با قوانین فیزیک رد شده است (ر.ک: کلز، کیهان‌شناسی، ۱۳۹۰: ۸۲).

سه: هان پلازما (Plasma cosmology)

کیهان‌شناسی پلازما، معتقد است دینامیک گازهای یونیزه شده و پلازما نقش مهمی را - اگر نقش غالب نداشته باشند - در فیزیک جهان خارج از منظومه شمسی بازی می‌کنند. پلازما حالت چهارم ماده؛ یعنی میان مایع و گاز نیز خوانده می‌شود. بر اساس این نظریه بیشتر جهان قابل مشاهده از پلازما تشکیل شده است که بارهای الکتریکی آن از هم جدا شده‌اند. البته انفجاری رخ نداده، بلکه جهان آکنده از جریان‌های غول‌آسا و میدان‌های عظیم مغناطیسی است. این مطلب با اجماع عمومی کیهان‌شناسان و اختر فیزیک‌دانان که به شدت از تحت تأثیر قرار گرفتن اجرام سماوی و ساختار جهان از گرانش و تئوری نسبیت عام اینشتین و مکانیک کوانتومی حمایت می‌کنند، متناقض است. با وجود اینکه این مدل مورد پذیرش اکثر دانشمندان واقع نشده است، ولی در مشاهدات اختر فیزیک مبتنی بر کیهان‌شناسی پلازما پیش‌بینی‌هایش به تازگی دارای موفقیت‌هایی هم بوده‌اند (ری، کیهان و راه کهکشان، ۱۳۷۴: ۳۴).

دیدگاه اول: انکار نسبت دادن تقدم و تأخر به افعال الهی

برخی از مفسران، نسبت دادن تقدم و تأخر آفرینش آسمان و زمین به خداوند را از اساس منکر شده و این کار را قیاس گرفتن کار خدا به کار خلق می‌دانند. سید قطب در تفسیر «فی ظلال القرآن» می‌نویسد: «مفسران و متکلمان در اینجا سخن را از آفرینش آسمان و زمین، قبلیت و بعدیت و استواء و تسویه ... بسط داده‌اند و فراموش کرده‌اند که قبلیت و بعدیت دو اصطلاح بشری است که در مقایسه با افعال خداوند هیچ‌گونه دلالتی ندارد.» به نظر ایشان، این نوع بحث‌های متداول بین دانشمندان مسلمان، آفتی از بحث‌های فلسفی یونانی و الهیات متداول بین یهود و نصاری است (سید قطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۱۲ ق: ۵۳/۱).

بررسی

پدیده‌های مادی دارای حدود و قیود زمانی و مکانی هستند و این حدود و قیود در اضافه و رابطه‌ای که بین آن‌ها و خدای متعال در نظر گرفته می‌شود، تأثیر می‌گذارد و در نتیجه افعال متعلق به آن‌ها هم به یک معنی مقید به زمان و مکان می‌گردد. مثلاً گفته می‌شود که خدای متعال فلان موجود را در فلان زمان و فلان مکان آفرید؛ اما این حدود و قیود در واقع به مخلوقات بازمی‌گردد و ظرف تحقق مخلوق و شئون آن بشمار می‌رود، نه اینکه مستلزم نسبت زمان و مکان به خدای متعال باشد.

به دیگر سخن، افعال الهی متعلق به امور زمانی و مکانی دارای دو حیثیت است: یکی حیثیت انتساب به مخلوقات و از این نظر متصف به قیود زمانی و مکانی می‌شود؛ و دیگری حیثیت انتساب به خدای متعال و از این نظر منسلخ از زمان و مکان است. از این رو، قبلیت و بعدیت در افعال الهی نیز از آن جهت که به پدیده‌های مادی زمانی و مکانی تعلق گرفته است، دارای بار معنایی زمانی خواهد بود.

دیدگاه دوم: عدم بیان ترتیب آفرینش زمین و آسمان

موریس بوکای، دانشمند فرانسوی، با بررسی آیات آفرینش به این نتیجه می‌رسد که قرآن، ترتیبی را در آفرینش آسمان و زمین بیان نکرده و کاربرد واژه‌های «و» («ثم») و «بعد» هنگام بیان آفرینش آسمان و زمین، فقط برای ارتباط کلام و جمله‌ها است (بوکای، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ۱۳۶۸: ۱۸۸).

بررسی

اینکه واژه‌ای مفید هیچ معنایی نباشد و تنها حرف ربط و برای ارتباط کلام و جمله‌ها باشد، در زبان عربی سابقه ندارد. به نظر می‌رسد، محقق محترم با توجه به ادبیات زبان دیگر، چنین نظری را بیان داشته است. در زبان انگلیسی برخی حروف ربط هیچ معنایی افاده نمی‌کنند، بلکه صرفاً برای ربط



میان کلمات هستند، گرچه هدف هر زبان، انتقال معنی به مخاطب است، ولی هر زبان دارای ادبیات و دستور زبان خاصی است. از این رو، ساختارها و ترکیب‌بندی‌های کلام در زبان‌های مختلف فرق دارد و همان‌گونه که گوینده یک زبان باید محتوا را در صورت و قالب ادبیات مختص آن زبان بیان کند، وگرنه باعث ناهم‌نشینی دستوری و معنایی در زنجیره کلام می‌شود. مخاطب نیز وظیفه دارد، هر زبان را با دستور زبان خاص آن زبان و نه زبان دیگر فهم کند.

زبان قرآن نیز به تبع عربی بودن آن از ادبیات خاصی تبعیت می‌کند. در ادبیات عربی، هر یک از کلمات اعم از حروف، اسما و افعال مفید معنا بوده، ولی تفاوتی که میان این سه وجود دارد، این است که حروف، معنای مستقلی ندارند، بلکه در ضمن جمله معنا می‌یابند.

نکته دیگری که از سخن نویسنده استفاده می‌شود، این است که ایشان تفاوتی میان هیچ‌یک از واژه‌های «و» «ثم» و «بعد» در آیه یا شده نمی‌بیند. در نقد این سخن باید گفت: علاوه بر اینکه بیشتر مفسران، بلکه همه ایشان واژه‌های یاد شده را در آیات فوق دارای بار معنایی ترتیب و بعدیت دانسته‌اند (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۲۶۰/۱؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۱۰/۱؛ ۶۵۹؛ آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ۱۴۱۵: ۲۳۳/۱۵؛ ابن عاشور، بی تا: ۳۷۶/۱؛ رشید رضا، محمد، ۱۴۱۴: ۲۴۸/۱)، در ادبیات نیز هیچ یک از واژه‌های یاد شده، زاید نبوده، بلکه دارای چنین معنایی است.

دیدگاه سوم: تقدم آفرینش زمین بر آسمان

گروهی از مفسران از جمله مرحوم طبرسی، میان دو دسته آیات مزبور چنین جمع کرده‌اند که اساساً بین آیات تعارضی وجود ندارد؛ زیرا کلمه «دحا» که از ریشه «دحو»، به معنای آفرینش نیست، بلکه به معنای گسترش دادن است. از این رو، آیات شریفه ناظر بر سه مرحله است:

مرحله اول: آفرینش زمین؛

مرحله دوم: آفرینش آسمان؛

مرحله سوم: گسترش دادن زمین بعد از آفرینش آسمان.

خداوند جرم زمین را پیش از آسمان خلق کرد است، ولی آن را گسترش نداد، سپس آسمان را آفرید و پس از آن زمین را گسترانید. در آیه ۲۹ سوره بقره، بحث از اصل خلقت زمین و آفرینش آسمان است. از این رو، می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ﴾ (بقره/۲۹)؛ یعنی اوست که هر چه در زمین است برای شما خلق کرده است و سپس به آسمان‌ها پرداخت.



اما در آیه ۳۰ سوره نازعات بحث از گسترش دادن زمین است. از این رو، می فرماید: ﴿وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا﴾ (نازعات/۳۰)؛ یعنی پس از خلقت آسمان، خداوند زمین را گسترش داد. با این بیان هیچ تناقض و تهافتی میان آیات وجود ندارد (ر.ک: طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۱۰/۶۵۹؛ فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۴۶/۳۱؛ معرفت، شبهات و ردود حول القرآن الکریم، ۱۴۲۳: ۲۵۹). چنانکه شیخ طوسی در پاسخ به این اشکال می فرماید: سخن خداوند متعال که می فرماید: ﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ﴾ این معنا را افاده می کند که آفرینش آسمان پس از آفرینش زمین و اقوات آن بوده است و این مطلب با آیه شریفه ﴿أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بِنَاهَا رَفَعَهَا فَسَوَّاهَا... وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا﴾ منافاتی ندارد؛ زیرا زمین پیش از آسمان خلق شده بود، ولی گسترش نیافته بود، پس از اینکه خداوند آسمان را آفرید، زمین را بسط داد (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۱۱۰/۹).

طبق این بیان، مقتضای ﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ﴾ این است که خداوند پیش از خلقت آسمان، زمین را آفریده است. این آیه با آیات سوره نازعات ﴿وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا﴾ (نازعات/۳۰)، منافات ندارد؛ زیرا در این آیه خداوند نفرموده است که بعد از آسمان، زمین را خلق کرده است، بلکه فرموده است، بعد از خلقت آسمان، زمین را گسترانده است و معنایش این است که خداوند ابتدا زمین را خلق کرد، سپس آسمان را آفرید و پس از آن زمین را گسترانید.

در روایتی آمده است که همین سؤال از ابن عباس شد، در پاسخ گفت: اینکه خداوند فرموده: ﴿خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ﴾ بدین معناست که خلقت زمین پیش از آفرینش آسمان بوده و آسمان دخان بود، خداوند آسمان های هفت گانه را پس از آفرینش زمین در دو روز آفرید؛ و اما اینکه فرمود ﴿وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا﴾ (نازعات/۳۰)؛ بدین معناست که پس از آفرینش آسمان ها، خداوند در زمین نهرها، درختان و دریاها را قرار داد (سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ۱۴۰۴: ۱۶۴/۲؛ ۳۱۳/۶).

بررسی

بیشتر لغت شناسان «دحو» را به معنای بسط و گسترش دادن گرفته اند (فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۰۹: ۲۷۷/۳). ابن فارس «دحو» را دارای یک اصل و آن را بسط دادن و آماده ساختن می داند (ابن فارس، ترتیب معجم مقاییس اللغة، ۱۳۸۷: ۳۳۳/۲)، ولی راغب اصفهانی آن را به معنای حرکت دادن دانسته است (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۱۴۱۲: ۳۰۸). برخی از قرآن پژوهان با حمل آیه بر معنای اول، بسط و گسترش را غیر از آفرینش دانسته و چنانکه در سطور بالا بیان کردیم، آفرینش زمین را پیش از آسمان دانسته اند، ولی گسترش زمین را پس از آفرینش آسمان بیان داشته اند.



برخی دیگر با حمل «دحو» بر معنای دوم (به حرکت در آوردن)، گسترش زمین را همانند دیدگاه دوم بی ارتباط با آفرینش زمین، بلکه آن را دلیل بر حرکت وضعی و انتقالی زمین دانسته‌اند (طالقانی، پرتوی از قرآن، ۱۳۶۲ ش: ۱۱۰/۲). البته این دیدگاه خلاف سیاق آیات است؛ چراکه در آیات سوره نازعات جمله «أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا وَالْحِبَالُ أَرْضَاهَا» (نازعات/۳۱)؛ مفسر و مبین دحو الارض است و آن را هم معنا یا ملازم با اخراج آب و چراگاه و کوهها دانسته است.

برخی دیگر با حمل دحو بر معنای افکندن و غلطاندن، معنای نخست (پهن کردن) را معنای لغوی ندانسته، بلکه آن را نتیجه یا لازم معنای واژه گرفته‌اند؛ زیرا با حرکت و گردش زمین (با توجیهی که بیان کرده)، بر وسعت و پهنای زمین افزوده می‌شود (صادقی تهرانی، ستارگان از دیدگاه قرآن، ۱۳۸۰: ۱۳۰). این دیدگاه نیز، اجتهاد در مقابل نص است؛ زیرا چنانکه گفتیم، بیشتر لغت‌شناسان به معنای بسط و وسعت یافتن زمین در معنای «دحو» تصریح کرده‌اند.

مرحوم علامه طباطبائی بر این باور است: گستراندن زمین همان خلق زمین است؛ به تعبیر دیگر، وقتی خداوند زمینِ کروی را آفرید، دیگر گسترانیدن آن معنا ندارد. با مقایسه آیات سوره نازعات و سوره فصلت می‌توان به یکی بودن یا همزمانی گسترش و آفرینش زمین پی برد. با این توضیح که آیات سوره نازعات که در مقام بیان گستردن زمین و مراحل پس از آن است، به خارج ساختن آب و چراگاه زمین و ریشه‌دار کردن کوه‌هایش اشاره کرده و در آیات سوره فصلت که در مقام بیان آفرینش زمین است، از قرار دادن کوهها در زمین و برکت دادن به زمین و تقدیر ارزاق آن سخن به میان آورده است. از این رو، می‌توان به هم‌معنایی یا هم‌زمانی خلقت زمین با گسترانیدن اذعان کرد. بنابراین سه مرحله‌ای بودن آفرینش زمین و آسمان رنگ می‌بازد و نمی‌تواند مقصود باشد (طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق: ۱۷/۳۶۵).

از سوی دیگر با ملاحظه مفهوم آیه ۲۹ سوره بقره که طبق دیدگاه فوق بحث از اصل خلقت زمین و نه گسترش آن است، یکی بودن یا هم‌زمانی آفرینش با گسترش اثبات می‌شود؛ چرا که در آیه می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره/۲۹)؛ بر اساس این فقره از آیه، تمام آنچه بر روی زمین است، با آفرینش آن به وجود آمده و چیزی از آن فروگذار نشده است. گسترش زمین نیز به همین است که آب آن، چراگاه‌ها، کوهها و دیگر امکانات زمین برای بهره‌برداری انسان فراهم شود. بنابراین دحو الارض جدای از آفرینش زمین نیست و حداکثر اینکه متصل به آفرینش زمین بوده و تنها به معنای گسترش آن نیست. بلکه توسعه، همراه با آماده‌سازی برای نبات و چراگاه و اقوات انسان و حیوان است. چنانکه می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا رُؤُوسَ جَبَلٍ ثَابِتِينَ يَغِثِي اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (رعد/۳).

دیدگاه چهارم: تقدم آفرینش آسمان بر زمین

طبق این دیدگاه خداوند نخست آسمان را خلق کرد و پس از آن به آفرینش و گسترش زمین پرداخت. با این توضیح که چنانکه پیش از این گفتیم، اختلاف و تعارض ظاهری که بین دو آیه مورد سؤال دیده می‌شود، به دلیل وجود دو کلمه «ثم» و «بعد» در دو دسته از آیات است. هر یک از دو کلمه در تأخر و پشت سر هم بودن ظهور دارند، بنابراین با دو ظهور روبرو هستیم:

نخست: ظهور «بعد ذلک» در تأخیر خلقت زمین از آسمان؛ دوم: ظهور «ثم» در تأخیر خلقت آسمان از زمین.

طبق این دیدگاه، برای حل تعارض، بایستی از یکی از این دو ظهور دست برداشت؛ اما چنانکه علامه طباطبایی می‌فرماید: ظهور «بعد ذلک» در تأخیر خلقت زمین از آسمان نسبت به ظهور «ثم» در تأخیر خلقت آسمان از زمین، بیشتر است. به اصطلاح ظهور اول اظهر و روشن‌تر از ظهور دوم است و آفرینش آسمان پیش از آفرینش زمین بوده است. زاین‌رو، بایستی از ظهور دوم دست برداریم و آن را به تأویل ببریم (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق: ۱۷/۳۶۵).

اینکه گفتیم ظهور «بعد ذلک» اظهر و روشن‌تر از ظهور «ثم» است، به این دلیل است که ظهور «بعد ذلک» قابل تأویل نیست و یک احتمال بیشتر ندارد، ولی «ثم» صرفاً دلالت بر ترتیب و تراخی می‌کند و ترتیب و تراخی قابل تأویل به انواعی است، چنانکه مفسران سه تأویل برای ظهور ثم ارائه کرده‌اند:

ظهور اول: ترتیب رتبی

حرف عطف «ثم» برای ترتیب رتبی است، بدین معنا که مضمون جمله معطوف رتبه با اهمیت‌تری نسبت به مضمون معطوف علیه دارد. مانند «أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْعَبَةٍ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَ تَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ» (بلد/۱۴-۱۷)؛ با اینکه ایمان پس از اطعام به یتیم آمده است، از اهمیت بیشتری نسبت به آن برخوردار است. در آیه مورد بحث نیز «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ» (فصلت/۱۱)؛ به این معنا است که خلقت آسمان نسبت به خلقت زمین عظیم‌تر و بااهمیت‌تر است، گرچه پس از آن ذکر شده است. بنابراین آیه هیچ دلالتی بر اینکه آفرینش آسمان پس از آفرینش زمین بوده، ندارد (ابن عاشور، التحرير و التتویر، بی‌تا: ۱۹/۲۵؛ بیضاوی، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ۱۴۱۸: ۱/۶۶).

دوم: تراخی به حسب خبر

با اینکه کلمه «ثم» در تأخیر و ترتیب زمانی ظهور دارد؛ اما این ظهور در همه جا نیست. در آیه شریفه، کلمه «ثم» صرفاً در مقام بیان بعدیت در خبر است، نه بعدیت به حسب وجود و تحقق. به بیان دیگر،



خداوند خبر خلقت آسمان را پس از خبر خلقت زمین آورده است، نه اینکه در واقع نیز خلقت آسمان پس از خلقت زمین باشد. چنانکه در المیزان آمده است: «إِنْ «ثُمَّ» لِإِفَادَةِ التَّرَاخِي بِحَسَبِ الْخَبْرِ لَا بِحَسَبِ الْوُجُودِ وَالتَّحَقُّقِ» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق: ۱۷/۳۶۵).

صاحب تفسیر مجمع البیان می فرماید: ممکن است بگوییم: کلمه «ثُمَّ» همه جا برای تأخیر و ترتیب زمانی نیست، بلکه گاهی تنها یادآوری نعمت‌های خداست و نظری به تقدم و تأخر ندارد. در آیه نیز به تقدم خلقت هیچ‌یک از زمین یا آسمان اشاره ندارد، بلکه غرض برشمردن تعداد نعمت‌هاست؛ مثلاً گفته می‌شود: «الْمِ اطْعَمْتِكُمْ ثُمَّ كَسَوْتِكُمْ ثُمَّ اعطيتكم ثم حملتكم»؛ «آیا من تورا اطعام نکردم و جامه ندادم و بخشش نکردم و حمل نکردم.» در واقع حتی اگر آنچه در اول گفته است، در آخر انجام داده باشد، سخن صحیحی است؛ چراکه به تقدم و تأخیر نظر ندارد، بلکه نظر او به تعداد است. بر این اساس؛ کلمه «ثُمَّ» در آیه «ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ» (فصلت/۱۱)؛ الزاماً به معنای تأخیر زمانی نیست، بلکه می‌تواند به معنی تأخیر در بیان و ذکر حقایق پشت سر هم باشد. به‌رحال این کلام را خداوند در مقام امتنان فرموده است (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۱/۱۷۴).

سوم: تقدیر «کان»

جمعی از مفسران به نقل از واحدی از مقاتل بیان داشته‌اند: تأویل آیه «ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ» (فصلت/۱۱)؛ در واقع «ثُمَّ كَانَ قَدْ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ» است که در این صورت جمله در مقام بیان تأخیر در زمان نیست، بلکه برای تفاوت میان آفرینش آسمان و زمین است و چنین معنا می‌دهد که خداوند خلقت زمین را به پایان رساند، پس از آن که آسمان را آفریده بود، مانند آیه «قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ» (یوسف/۷۷)؛ که به معنای «ان یکن سرق» است (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۲۷/۵۴۸؛ زحیلی، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، ۱۴۱۱: ۲۴/۲۰۰؛ بروجردی، تفسیر الصراط المستقیم، ۱۴۱۶ ق: ۵/۳۳؛ عاملی، تفسیر عاملی، ۱۳۶۰: ۷/۴۲۳).

به بیان دیگر، توجیه دیگری که نتیجه‌اش تقدم آفرینش آسمان‌ها بر زمین است، تقدیر گرفتن «کان» است. ترکیب (کان + قد + فعل ماضی)، ماضی بعید را نتیجه می‌دهد. بنابراین معنای جمله «خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً ثُمَّ (کان قد) اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ» آن است که خداوند تمام آنچه بر روی زمین است را برای شما آفرید پس از آنکه در گذشته به آفرینش آسمان پرداخته بود.

بررسی

تأویل نخست و دوم به این صورت قابل جمع است که واژه «ثم» برای بیان ترتیب و تأخیر است. در آیه شریفه نیز بر ترتیب و تأخیر در خبردادن حمل می‌شود، ولی اینکه چرا خبر آفرینش زمین بر خبر



آفرینش آسمان مقدم شده، می‌توان بر اهمیت بعدیت در خبر حمل کرد؛ یعنی آنچه مهم‌تر است (خلقت آسمان)، در مرحله متأخر ذکر شده است بنابراین بعدیت در خبر به معنای بعدیت به حساب وجود نیست به تعبیر دیگر قرآن ال‌اهم فال‌اهم را ذکر کرده است. ولی تأویل سوم نمی‌تواند مورد تأیید باشد؛ زیرا اولاً مخالف قاعده اصالت عدم تقدیر است؛ و ثانیاً اصل اولی در واژه «ثم» بعدیت است و کان به معنای قبل بودن است. بنابراین با آوردن «کان» این دو واژه متعارض می‌نمایند. به نظر می‌رسد، اگر بتوان «ثم» و «بعد» را بر تراخی و تأخیر در وجود حمل کرد و درعین حال تعارض ظاهری میان آیات را حل کرد، بهتر از تأویل کردن آن خواهد بود و در ادامه به این مطلب خواهیم پرداخت.

دیدگاه برگزیده

به نظر می‌رسد آیات شریفه ناظر بر سه مرحله هستند:

اول: آفرینش آسمان؛ دوم: آفرینش زمین و گسترده آن؛ سوم: هفت‌گانه کردن آسمان‌ها پس از آفرینش زمین.

این دیدگاه همانند دیدگاه مرحوم علامه، آفرینش آسمان را پیش از آفرینش زمین و گسترش آن می‌داند، جز اینکه بدون تأویل و دست کشیدن از ظهور «ثم» در تأخیر، با استظهار از آیات قرآن آن را به مرحله دیگر؛ یعنی هفت‌گانه کردن آسمان‌ها پس از آفرینش زمین حمل می‌کند.

طبق این دیدگاه، خداوند در یک مرحله (مرحله نخست) آسمان را آفرید، سقف آن را برافراشت و آن را مرتب نمود، شبش را تاریک و روزش را آشکار ساخت؛ در مرحله بعدی، پس از آفرینش آسمان، زمین را خلق نمود و آن را گسترش داد، آب و چراگاهش را خارج ساخت و کوه‌هایش را محکم و استوار کرد و خوراکی‌های زمین را تقدیر فرمود، سوره نازعات به هر دو مرحله تصریح دارد: ﴿أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا وَأَعْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ﴾؛ (نازعات/ ۲۷-۳۳)؛ چنانکه در این آیات مشاهده می‌شود، نخست به آفرینش آسمان و برافراشته شدن سقف آن و ایجاد روز و شبش تصریح نموده است، سپس با واژه «بعد» که ظهور در بعدیت و تراخی دارد، دحو و گسترش زمین را بر آفرینش آسمان عطف نموده است. این آیه مقتضی تقدم آفرینش آسمان بر دحو الارض است، ولی مقتضی تقدم تسویه آسمان بر هفت عدد بر دحو نیست. در سوره فصلت نیز به مرحله دوم؛ یعنی آفرینش زمین اشاره کرده و می‌فرماید: ﴿قُلْ أَنتُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَنْدَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِي مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ...﴾ (فصلت/ ۹-۱۱).



در مرحله سوم، خداوند به تسویه آسمان بر هفت عدد پرداخته است. سوره بقره به مرحله دوم و سوم تصریح کرده و می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (بقره/۲۹)؛ در آیه نخست به آفرینش همه آنچه در زمین است (زمین و گسترش آن) تصریح نموده است؛ زیرا آفرینش تمام آنچه بر زمین است، ملازم با دحو و گسترش آن است، سپس با استفاده از واژه «ثم» که در تراخی و بعدیت ظهور دارد، مرتب و منظم ساختن هفت آسمان را به آفرینش زمین عطف نموده است. آیات سوره فصلت نیز به این مرحله اشاره دارد، چنانکه می‌فرماید: ﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ ... فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَفْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾ (فصلت/۹-۱۱). شیخ طبرسی می‌نویسد: کلمه «استوی» وقتی با «الی» متعدی شود، به معنای قصد کردن و رسیدگی کردن و به تدبیر چیزی پرداختن است، ولی وقتی با «علی» متعدی شود، به معنای استیلاء و تسلط یافتن است. مانند آیه ﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَىٰ﴾ (طه/۵)؛ «رحمان بر عرش تسلط یافت.» (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۱/۱۷۳). طبق این بیان، معنای «استوی الی السماء»؛ یعنی خداوند آسمان را قصد کرد و به تدبیر آن پرداخت، سپس خداوند در ادامه به مرحله هفت‌گانه کردن آسمان‌ها پرداخته و می‌فرماید: و آنها را به صورت هفت آسمان تمام کرد ﴿فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ﴾ (فصلت/۱۲).

شواهد تأیید دیدگاه برگزیده

- ۱- یکی از مؤیدات این دیدگاه، این است که برای حل تعارض، لزومی بر برداشتن از ظهور هیچ‌یک از دو دسته آیات (ظهور «ثم» و «بعد») و حمل آیات بر خلاف ظهور آن نیستیم، بلکه در این دیدگاه هر یک از «ثم» و «بعد» بر تأخیر زمانی حمل می‌شوند.
- ۲- آیات نازعات اقتضا دارد، بناء (آفرینش آسمان) پیش از گسترش زمین باشد و آیات فصلت و بقره اقتضا دارند، آفرینش تمام زمین مقدم بر تسویه آسمان‌های هفت‌گانه باشد. البته آفرینش تمام آنچه بر زمین است، قبل از دحو الارض بعید به نظر می‌رسد، چنانکه در روایات فقط به آفرینش کعبه قبل از دحو تصریح شده است (مجلسی، بحار الانوار، ۱۳۷۶ ق: ۳/۳۳). بنابراین اولاً: آفرینش آسمان مقدم بر آفرینش زمین بوده است؛ ثانیاً: دحو الارض پس از آفرینش اصل زمین بوده است؛ ثالثاً: میان تسویه آسمان در سوره نازعات، با تسویه آن به سبع سماوات در سوره بقره، تفاوت وجود دارد. تسویه مطلق آسمان بر دحو الارض تقدم دارد، ولی تسویه آن به سبع، متأخر از دحو الارض است (صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، ۱۴۰۶ ق: ۲۶/۲۴). هیچ‌یک از آیاتی که از آفرینش آسمان پیش از آفرینش زمین سخن گفته‌اند، به هفت‌گانه شدن آسمان اشاره ندارند (نازعات/۲۷؛ ذاریات/۴۷؛ شمس/۵؛ انشقاق/۱). این آیات، تنها به بنای آسمان و حداکثر به شکافته شدن آن پیش از گسترش زمین تصریح دارند.

۳- از آنجایی که در آیات مربوط به آفرینش زمین (۹-۱۱ فصلت)، به ایجاد کوهها و تقدیر ارزاق اشاره نموده و در آیات دحو الارض (فصلت/ ۲۷-۳۳)، نیز که در مقام بیان گسترش زمین بوده، به اخراج آب و چراگاه و کوهها جهت بهره‌مندی انسان و حیوان اشاره نموده است، می‌توان استظهار کرد که گسترش زمین غیر از آفرینش آن نیست، ولی از آنجایی که در روایات، گسترش زمین، غیر از آفرینش آن دانسته شده است (مجلسی، بحار الانوار، ۱۳۷۶: ۷۱/۵۴). به نظر می‌رسد، گسترش زمین، مرحله‌ای متصل به آفرینش و در ادامه آن است؛ یعنی خداوند پس از آفرینش اصل زمین، آن را گسترش داده است.

۴- چنانکه از آیات مربوط به دحو الارض استفاده می‌شود، «دحو» تنها به معنای بسط نیست، بلکه توسعه همراه با آماده‌سازی برای نبات و چراگاه و اقوات انسان و حیوان است. از سوی دیگر می‌دانیم، استعدادهای زمین برای رساندن روزی به مخلوقات و ایجاد چراگاه و گیاهان در صورتی حاصل می‌شود که آسمان و خورشید و ماه وجود داشته باشد، بنابراین آفرینش آسمان پیش از آفرینش و گسترش زمین به اثبات می‌رسد.

۵- روایات نیز مؤید این دیدگاه است؛ چراکه طبق روایات پیش از آفرینش آسمان‌ها و زمین ماده‌ای به نام «ماء» بوده که ماده تمام اجسام بوده است: «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ» (هود/۷). اصل و ماده آسمان که «دخان» نام داشته، پیش از آفرینش زمین به وجود آمده و پس از به وجود آمدن آسمان، خداوند زمین را آفریده است. پس از آن آسمان‌های هفت‌گانه را تسویه نموده است (مجلسی، بحار الانوار، ۱۳۷۶: ۷/۵۴).

اما اینکه در آیات سوره فصلت، پس از بیان آفرینش زمین، خداوند در خطاب به آسمان و زمین می‌فرماید: «أَتْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ» (فصلت/۱۱)؛ دو احتمال وجود دارد: نخست اینکه طبق بیان علامه طباطبایی «أَتْتِيَا» بر امر تکوینی حمل شود؛ یعنی خداوند به آسمان و زمین فرمان تکوینی می‌دهد که ایجاد شوید. بنابراین، امر یادشده صفت ایجاد و تکوین را ممثل می‌کند تا فهم ساده مردم آن را درک کنند؛ دوم اینکه مقصود از این امر، اظهار کمال قدرت الهی و یا امر به معرفت پروردگار و تسلیم شدن در برابر او بوده است. چنانکه در سوره آل عمران از تسلیم تکوینی تمامی اهل آسمان‌ها و زمین در برابر خداوند متعال خبر داده و می‌فرماید: «لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ» (آل عمران/۸۳)؛ و در آیه ۱۵ سوره رعد از سجده آن‌ها در برابر خداوند خبر می‌دهد. از دو احتمال یاد شده، احتمال اول بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا از آنجایی که طبق دو آیه قبلی (فصلت/۹)، زمین پیش از این امر ایجاد شده بود: «خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ» (فصلت/۹)؛ امر مجدد به



ایجاد، تحصیل حاصل خواهد بود. ازاین‌رو، احتمال دوم رجحان دارد. البته روشن است که سخن گفتن خدا با هرچیزی به‌حسب حال آن چیز و مناسب با آن خواهد بود. طبق این بیان، خداوند به آسمان و زمینی که قبلاً خلق نموده بود، فرمان می‌دهد، خواه به طاعت یا به اکراه بیاید: «اُنْتِیَا طَوْعاً أَوْ كَرْهًا» (فصلت/۱۱)؛ یعنی در مقابل خداوند تسلیم باشد و آن دو به زبان قال (به دلیل ذی شعور بودن تمام موجودات و حمل بر معنای حقیقی قال)، یا به زبان حال و مقهوریت ذاتی (معنای مجازی قال) گفتند: مطیعانه آمدیم.

نتیجه

با اینکه آیاتی در مورد ترتیب و چگونگی آفرینش آسمان‌ها و زمین در قرآن وجود دارد، ولی هدف اصلی این آیات، بیان تفصیلی آفرینش آسمان‌ها و زمین نبوده و این مباحث به صورت استطرادی و در ضمن آیات دیگر مطرح شده است. ازاین‌رو، نباید انتظار داشت، به نظریه قطعی درباره پیدایش آسمان‌ها و زمین دست یافت.

خاورشناسان با قطعی انگاشتن پیش‌فرض‌های اثبات نشده‌ای بر تناقض آیات ترتیب آفرینش آسمان‌ها و زمین اصرار دارند.

دیدگاه‌هایی در جمع میان آیات مطرح شده است. به نظر نگارنده، آیات شریفه ناظر بر سه مرحله داشتن آفرینش است: در مرحله نخست خداوند آسمان را آفریده و سقفش را برافراشته است در مرحله دوم و پس از آفرینش آسمان، زمین را خلق نموده و آن را گسترش داده است در مرحله سوم به تسویه آسمان بر هفت عدد پرداخته است.

پی‌نوشت‌ها

[۱] WWW.geocities.com/hidayatalmouslimoun

دکتر عبدالله یوسف امین، صفحه کلام الحق في الرد علي الاسلام، شبهه شماره یک- سایت یاد شده با آرم صلیب ارائه شده که نشانه غیرمسلمان (مسیحی) بودن تهیه کنندگان آن است.

[۲] همان، شبهه شماره ۲.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی و گروهی از اساتید جامعه المصطفی، انتشارات بین المللی المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸ ش.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير و التنوير، بی جا: بی تا.
۳. ابن فارس، احمد، ترتیب معجم مقاییس اللغة، ترتیب و تنقیح: علی العسکری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: ۱۳۸۷ ش.
۴. ابن منظور، جمال الدین محمد، لسان العرب، دار صادر، بیروت: ۱۴۱۴ ق
۵. آرغون، محمد، اسلام دیروز و امروز، ترجمه: غلامعباس توسلی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران: ۱۳۶۹ ش.
۶. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، بیروت: ۱۴۱۵ ه.ق.
۷. بروجردی، حسین بن رضا، تفسیر الصراط المستقیم، انصاریان، قم: ۱۴۱۶ ق.
۸. برومند، محمدحسین، مرتضوی، غلامرضا، بررسی تعارض آیات مرتبط با خلقت جهان در شش روز، مطالعات تفسیری، شماره ۲۹، ۱۳۹۶ ش.
۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۱۸ ق.
۱۰. جعفری یعقوب، آفرینش آسمانها و زمین در شش روز، درس هایی از مکتب اسلام، شماره ۵۸۹، ۱۳۸۹ ش.
۱۱. جفری، آرتور، واژه های دخیل در قرآن مجید، ترجمه: فریدون بدره ای، توس، تهران: ۱۳۷۲ ش.
۱۲. جمیلی، سید، الإعجاز العلمی فی القرآن، دار و مکتبة الهلال، بیروت: ۲۰۰۰ م.
۱۳. حسینی کارنامی، سید حسین، بررسی سه شگفتی علمی قرآن در دحو الارض، پژوهش نامه معارف قرآنی، شماره ۲۸، ۱۳۹۶ ش.
۱۴. خوبی، سید ابوالقاسم، مرزهای اعجاز، ترجمه: جعفر سبحانی، محمدی، تهران: ۱۳۴۹ ش.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، دارالعلم، بیروت: ۱۴۱۲ ق.
۱۶. رشید رضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، دار المعرفة، بیروت: ۱۴۱۴ ق.



۱۷. ری، ویلارد، کیهان و راه کهکشان، ترجمه: سید محمد امین محمدی، موسسه کتاب همراه، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۱۸. زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، دار الفکر، دمشق: چاپ دوم، ۱۴۱۱ ق.
۱۹. زحیلی، وهبه، التفسیر الوسیط، دار الفکر، دمشق: ۱۴۲۲ ه.ق.
۲۰. زغلول راغب، محمد نجار، السماء فی القرآن الکریم، دار المعرفة، بیروت: ۱۴۲۶ ه.ق.
۲۱. سید قطب، ابراهیم حسین شاذلی، (فی ظلال القرآن، دارالشروق، بیروت- قاهره: چاپ ۱۷، ۱۴۱۲ ق.
۲۲. سیوطی جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم: ۱۴۰۴ ق.
۲۳. شعبان، مروان وحید، الإعجاز القرآنی فی ضوء الإکتشاف العلمی الحدیث، دار المعرفة، بیروت: ۱۴۲۷ ه.ق.
۲۴. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، فرهنگ اسلامی، قم: ۱۴۰۶ ق.
۲۵. صادقی تهرانی، محمد، ستارگان از دیدگاه قرآن، چاپ: دوم، امید فردا، تهران: ۱۳۸۰ ش.
۲۶. طالقانی، محمود، پرتوی از قرآن، چاپ ۴، شرکت سهامی انتشار، تهران: ۱۳۶۲ ش.
۲۷. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین، قم: چاپ ۵، ۱۴۱۷.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران: چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۲۹. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، کتابفروشی مرتضوی، تهران: چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت: بی تا.
۳۱. عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، چاپ ۱، کتابفروشی صدوق، تهران: ۱۳۶۰ ش.
۳۲. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.
۳۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، نشر هجرت، قم: ۱۴۰۹ ق.
۳۴. فرج اللهی، فرج الله، درسهای از مکتب اسلام، شماره ۸، ۱۳۸۱ ش.



۳۵. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، چ ۲، دار الهجرة، قم: ۱۴۱۴ ق.
۳۶. کلز، پیتر، کیهانشناسی، ترجمه: نادیه حقیقتی، بصیرت، تهران: ۱۳۹۰.
۳۷. کیاشمشکی، ابوالفضل، جهان شناسی در قرآن، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، تهران: ۱۳۷۸ ش.
۳۸. کیخواجه نژاد، حسین، مراحل آفرینش آسمان و زمین در آیات قرآن، مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه، شماره ۱، ۱۳۹۴ ش.
۳۹. گلدزیهر، ایگناس، گرایش های تفسیری در میان مسلمانان، ترجمه: ناصر طباطبائی، ققنوس، تهران: ۱۳۸۸ ش.
۴۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بی جا، دار الکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۷۶ ق.
۴۱. مسترحمه، سید عیسی، قرآن و کیهان شناسی، پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، قم: ۱۳۸۷ ش.
۴۲. مصباح یزدی، معارف قرآن، مؤسسه در راه حق، قم: ۱۳۶۷ ش.
۴۳. معرفت، محمد هادی، شبهات و ردود حول القرآن الکریم، چاپ ۱، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، قم: ۱۴۲۳ ق.
۴۴. موریس بوکای، مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه: ذبیح الله دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران: ۱۳۶۸ ش.
۴۵. هاوکینگ، استفن ویلیام، تاریخچه زمان، ترجمه و اقتباس: حبیب الله دادفرما، با همکاری زهره دادفرما، کیهان، تهران: ۱۳۶۹ ش.
۴۶. ویرژیل، گئورگیو، محمد پیامبری که باید از نو شناخت، ترجمه: ذبیح الله منصور، زرین، تهران: ۱۳۷۶ ش.
۴۷. WWW.geocities.com/hidayatalmouslimoun یوسف امین، عبدالله، صفحه کلام الحق فی الرد علی الاسلام، ۱۶۰ شبهه قرآنی.



References

1. The Holy Quran, Translated by Dr. Muhammad Ali Rezaei Isfahani and a group of Professors of Al-Mustafa University, Al-Mustafa International Publications, Qom: Second Edition, 2009.
2. Ibn Ashur, Muhammad ibn Tahir, Al-Tahri wa al-Tanwir, S.L & S.D.
3. Ibn Faris, Ahmad, Mujam Maqais al-Lughah, Edited by Ali Al-Askari, Seminary and University Research Institute, Qom: 2008.
4. Ibn Manzoor, Jamal al-Din Muhammad, Lisan al-Arab, Dar Sader, Beirut: 1414 AH
5. Arghun, Muhammad, Islam Yesterday and Today, Translated by Ghulamabbas Tavassoli, Islamic Culture Publishing Center, Tehran: 1990.
6. Alusi, Mahmoud bin Abdullah, Ruh al-Ma'ani Fi Tafsir al-Quran al-Azim wa al-Sab'a al-Muthani, Dar al-Kitab al-Alamiyya, Publications of Muhammad Ali Baydhun, Beirut: 1415 AH.
7. Boroujerdi, Hussein Ibn Reza, Tafsir Al-Surat Al-Mustaqim, Ansarian, Qom: 1416 AH.
8. Boroumand, Muhammad Hossein, Murtazavi, Gholamreza, A Study of the Conflict of Verses Related to the Creation of the World in Six Days, Muta'at e Tatbiqi, No. 29, 2017.
9. Beidhawi, Abdullah Ibn Umar, Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Ta'wil, Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: 1418 AH.
10. Jafari Yaqub, The Creation of the Heavens and the Earth in Six Days, Darshai Az Maktab Islam, No. 589, 2010.
11. Jeffrey, Arthur, Words Involved in the Holy Quran, Translated by Faridoun Badrahaei, Toos, Tehran: 1993.
12. Jamili, Sayyid, The Scientific Miracle in the Qur'an, Dar wa Maktab al-Hilal, Beirut: 2000.
13. Hosseini Kirnami, Seyyed Hossein, A Study of the Three Scientific Wonders of the Qur'an in the Land Spreading, Research Journal of Quranic Knowledge, No. 28, 2017.
14. Khoei, Seyyed Abu al-Qasim, Boundaries of Miracles, Translated by Jafar Sobhani, Muhammadi, Tehran: 1349.
15. Raghieb Isfahani, Hussein, Al-Mufradat Fi Gharib Al-Quran, First Edition, Dar al-Ilam, Beirut: 1412 AH.
16. Rashid Reza, Muhammad, Tafsir Al-Quran Al-Hakim Know as Bafsir Al-Manar, Dar Al-Ma'rifah, Beirut: 1414 AH
17. Ray, Willard, The Universe and the Way of the Galaxy, Translated by Seyyed Muhammad Amin Muhammadi, Hamrah Kitab Institute, Tehran: 1995.
18. Zuhaili, Wahbah, Al-Tafsir Al-Munir in Belief, Sharia and Methodology, Dar Al-Fikr, Damascus: Second Edition, 1411 AH.
19. Zuhaili, Wahbah, Al-Tafsir Al-Wasit, Dar Al-Fikr, Damascus: 1422 AH.
20. Zaghoul Ragheb, Muhammad Najjar, The Sky in the Holy Quran, Dar Al-Ma'rifah, Beirut: 1426 AH.
21. Seyyed Qutb, Ibrahim Hussein Shazli, Fi Zilal al-Qur'an, Dar al-Shorouq, Beirut - Cairo: 17th Edition, 1412 AH.
22. Siouti Jalal al-Din, Al-Durr Al-Manthur FiTafsir Al-Ma'thur, Library of Ayatollah Marashi Najafi, Qom: 1404 AH.
23. Sha'ban, Marwan Wahid, The Miracle of the Qur'an in the Field of Scientific Discovery of Hadith, Dar al-Ma'rifah, Beirut: 1427 AH.

24. Sadiqi Tehrani, Muhammad, Al-Furqan; An Interpretation of the Qur'an with the Qur'an and the Sunnah, Islamic Culture, Qom: 1406 AH.
25. Saqiq Tehrani, Muhammad, Stars from the Quran's Viewpoint, Second Edition, Omid Farda, Tehran: 2001.
26. Taliqani, Mahmoud, Partwowi Az Quran, 4th Edition, Publishing Joint Stock Company, Tehran: 1983.
27. Tabatabai, Sayyid Muhammad Hussein, Al-Mizan Fi Tafsir al-Qur'an, Islamic Publications Office of the Seminarian Teachers Association, Qom: Fifth edition, 1417.
28. Tabrasi, Fadl Ibn Hassan, Al-Bayan Fi Tafsir al-Quran, Nasir Khosrow, Tehran: Third Edition, 1993.
29. Turaihi, Fakhruddin, Majma al-Bahrain, Murtazavi Bookstore, Tehran: Third Edition, 1996.
30. Tusi, Muhammad ibn Hassan, Al-Tibyan Fi Tafsir Al-Quran, Dar al-Ihya al-Turath Al-Arabi, Beirut: S.D.
31. Amili, Ibrahim, Tafsir Amili, First Edition, Sadough Bookstore, Tehran: 1981.
32. Fakhr Razi, Muhammad ibn Umar, Mafatih al-Ghayb, Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: Third Edition, 1420 AH.
33. Farahidi, Khalil Ibn Ahmad, Kitab al-Ain, Hijrat Publishing, Qom: 1409 AH.
34. Farajollahi, Farajullah, Darshai Az Maktab e Islam, No. 8, 2002
35. Fayumi, Ahmad Ibn Muhammad, Al-Misbah Al-Munir Fi Gharib Al-Sharh Al-Kabir, Second Edition, Dar Al-Hijrah, Qom: 1414 AH.
36. Kelz, Peter, Cosmology, Translated by Nadia Haqiqati, Basirat, Tehran: 2011.
37. Kiashamshki, Abolfazl, Cosmology in the Quran, Institute of Culture and Thought, Tehran: 1999.
38. Kikhahnejad, Hossein, Steps of Creation of Heaven and Earth in Quranic Verses, Studies in Literature, Mysticism and Philosophy, No. 1, 2015.
39. Goldziher, Ignaz, Interpretive Tendencies among Muslims, Translated by Nasir Tabatabai, Quqnos, Tehran: 2009.
40. Majlisi, Muhammad Baqir, Bihar Al-Anwar, Islamic Books Publications, Tehran: 1376 AH.
41. Mustarhameh, Seyyed Issa, Quran and Cosmology, Research on Quran Interpretation and Sciences, Qom: 2008.
42. Misbah Yazdi, Quranic Knowledge, Institute Dar Rah e Haqq, Qom: 1988.
43. Marifat, Muhammad Hadi, Doubts and Refutations about the Holy Quran, First Edition, Al-Tamheed Publishing Cultural Institute, Qom: 1423 AH.
44. Moris Bukay, Comparisons between Torah, Bible, Quran and Science, Translated by Zabihullah Dabeer, Islamic Culture Publishing Center, Tehran: 1989.
45. Hawking, Stephen William, History of Time, Translation and Adaptation: Habibollah Dadfarma, With Collaboration of Zohreh Dadfarma, Kayhan, Tehran: 1990.
46. Virgil, Georgio, Muhammad, A Prophet Who Must Be Recognized Again, Translated by Zabihullah Mansouri, Zarrin, Tehran: 1997.
47. www.geocities.com/hidayatalmouslimoun Yusuf Amin, Abdullah, Page of the Word of Truth in Rejection of Islam, 160 Quranic Doubts.